

صهیونیسم و نازیسم: به معنای واقعی کلمه دو روی یک سکه

در سپتامبر ۱۹۳۴، روزنامه تبلیغاتی یوزف گوبلز **Der Angriff** (حمله) یک ویژگی ویژه منتشر کرد: یک سفرنامه ۱۲ بخشی نوشته افسر اس‌اس لئوپولد فون میلدنشتاین که بازدید او از فلسطین همراه با مقام صهیونیست کورت توخلر را توصیف می‌کرد. برای تبلیغ این مجموعه، گوبلز دستور داد یک مدال برنزی یادبود در نورمبرگ ضرب شود: یک طرف آن ستاره داوود با کتیبه «**Ein Nazi fährt nach Palästina**» («یک نازی به فلسطین سفر می‌کند») و طرف دیگر صلیب شکسته با عبارت «**Und erzählt davon im Angriff**» («و در **Der Angriff** درباره آن می‌گوید»).

این مدال واقعیتی زودگذر اما شگفت‌انگیز را ثبت کرد: مقامات نازی و رهبران صهیونیست در مهاجرت یهودیان به فلسطین منافع مشترک داشتند. نازی‌ها آلمان را **judenrein** (خالی از یهودیان) می‌خواستند؛ صهیونیست‌ها می‌خواستند دولت آینده خود را پرجمعیت کنند. همکاری آنها، که عملی و فرصت‌طلبانه بود، در دهه ۱۹۳۰ شکوفا شد.

زمینه: ملی‌گرایی‌های اروپایی و طرد یهودیان

قرن نوزدهم شاهد ظهور ملی‌گرایی قومی بود - اعتقاد به اینکه هر قوم (که با قومیت، زبان و "خون" تعریف می‌شود) باید در دولت خود زندگی کند. این ایدئولوژی سوخت اتحاد ایتالیا و آلمان و قیام‌های ملی‌گرایانه در امپراتوری‌های اتریش-مجارستان و عثمانی بود.

گروه‌های اقلیت تحت این نظم جدید رنج بردند:

- رومانی (کولی‌ها) اخراج شدند، کلیشه‌سازی شدند و بعداً تحت نازی‌ها برای نابودی هدف قرار گرفتند.
- لهستانی‌ها در پروس با ژرمنیزاسیون و در امپراتوری تزاری با روس‌سازی سرکوب شدند.
- چک‌ها، اسلواک‌ها، اوکراینی‌ها، اسلاوهای جنوبی در اتریش-مجارستان سرکوب شدند.
- ارمنی‌ها در امپراتوری عثمانی قتل‌عام شدند و مورد نسل‌کشی قرار گرفتند.
- باسک‌ها، کاتالان‌ها، برتون‌ها، کورسیکایی‌ها در اسپانیا و فرانسه سرکوب شدند.
- سورب‌ها، دانمارکی‌ها، فنلاندی‌ها، بالتیک‌ها تحت حاکمیت پروس یا روسیه جذب یا سرکوب شدند.

بیشتر این گروه‌ها با مبارزه برای حقوق یا استقلال پاسخ دادند. صهیونیسم، در مقابل، استدلال کرد که راه‌حل برای ستم به یهودیان برابری در اروپا نیست، بلکه استعمار فلسطین است.

یهودستیزی به عنوان پیش‌شرط صهیونیسم

یهودستیزی مدت‌ها پیش از نازی‌ها فراگیر بود:

- آلمان: ویلهلم مار در دهه ۱۸۷۰ کلمه "یهودستیزی" را ابداع کرد.

- فرانسه: مجرای دریفوس یهودستیزی عمیق را افشا کرد.
- روسیه: پوگروم‌ها (۱۸۸۱-۱۹۰۵) صدها هزار نفر را به تبعید راندند.
- اتریش: شهردار وین، کارل لوگر، حرفه خود را بر پایه یهودستیزی بنا کرد.
- مجارستان، رومانی، لهستان: افتراهای خون، سهمیه‌ها، پوگروم‌ها.

صهیونیست‌ها یهودستیزی را به‌عنوان تأییدی بر این تفسیر کردند که یهودیان به اروپا تعلق ندارند. کتاب هرتزل **Der Judenstaat** (۱۸۹۶) نتیجه گرفت: یهودستیزی هرگز از بین نخواهد رفت، بنابراین یهودیان به یک دولت خاص خود نیاز دارند.

همگرایی صهیونیست-نازی

یادداشت ۱۹۳۳

در ۲۱ ژوئن ۱۹۳۳، فدراسیون صهیونیست آلمان (ZVfD) یادداشتی برای آدولف هیتلر ارسال کرد. در آن اعلام شد:

«بر اساس دولت جدید که اصل نژاد را برقرار کرده است، ما می‌خواهیم جامعه خود را در ساختار کلی چنان جای دهیم که برای ما نیز، در حوزه‌ای که به ما اختصاص داده شده، فعالیت مثمر ثمر برای میهن ممکن باشد... زیرا ما نیز مخالف ازدواج مختلط هستیم و از حفظ خلوص گروه یهودی حمایت می‌کنیم.»

توافق هاآوارا (۱۹۳۳-۱۹۳۹)

در ۲۵ اوت ۱۹۳۳، آلمان نازی و آژانس یهودی توافق هاآوارا («انتقال») را امضا کردند.

- مکانیزم: یهودیان آلمانی دارایی‌های خود را در بانک‌های آلمانی سپرده‌گذاری می‌کردند؛ این پول برای خرید کالاهای آلمانی استفاده می‌شد که به فلسطین صادر می‌شدند. مهاجران عواید را در فلسطین به ارز محلی دریافت می‌کردند.
- نتیجه: حدود ۶۰,۰۰۰ یهودی آلمانی تحت هاآوارا به فلسطین مهاجرت کردند.
- تأثیر: صادرات آلمان و توسعه صهیونیستی را تقویت کرد، در حالی که تحریم بین‌المللی یهودیان را تضعیف کرد.

Der Angriff و سفر میلدنشتاین-توخلر

در بهار ۱۹۳۳، کورت توخلر، مقام صهیونیست، به افسر اس‌اس لئوپولد فون میلدنشتاین نزدیک شد تا مهاجرت را از طریق پوشش رسانه‌ای مثبت نازی‌ها ترویج دهد. میلدنشتاین و همسرش همراه با توخلرها به فلسطین سفر کردند و از تل‌آویو، کیبوتسیم، دره جزریل، صفد، الخلیل و اورشلیم بازدید کردند.

این سفر مجموعه «**Ein Nazi fährt nach Palästina**» («یک نازی به فلسطین سفر می‌کند») را تولید کرد که از ۲۶ سپتامبر تا ۹ اکتبر ۱۹۳۴ در **Der Angriff** منتشر شد.

«Ein Nazi fährt nach Palästina» (۱۹۳۴)

یک نازی به فلسطین سفر می‌کند و در **Der Angriff** درباره آن می‌گوید

هر بخش شامل عکس‌هایی از شهرک‌ها و پیشگامان صهیونیست بود. در زیر گزیده‌های انتخاب‌شده آورده شده است.

بخش اول - Aufbruch nach Erez Israel (۲۶ سپتامبر ۱۹۳۴)

«در ایستگاه برلین، جوانان یهودی سوار قطار شدند. آنها آهنگ‌های عبری می‌خواندند، صداهايشان پر از خوش‌بینی بود. آنها با فریاد خداحافظی کردند: شالوم! ... این ندای قومی بود که برای بازسازی از نو حرکت می‌کرد.»

بخش دوم - Ankunft in Haifa (۲۷ سپتامبر ۱۹۳۴)

«در بندر حیفا، باربران عرب جمع شده بودند، فریاد می‌زدند و با دست‌های حریص چمدان‌ها را می‌قاییدند. در مقابل، مقامات یهودی اداره مهاجرت ما را با نظم و انضباط پذیرفتند، اسنادشان به‌دقت آماده شده بود.»

بخش سوم - Tel Aviv, die jüdische Stadt (۲۸ سپتامبر ۱۹۳۴)

«اینجا فقط یهودیان زندگی می‌کنند، اینجا فقط یهودیان کار می‌کنند، اینجا فقط یهودیان تجارت می‌کنند، حمام می‌کنند و می‌رقصند. زبان شهر عبری است - زبانی باستانی، احیا شده - اما خود شهر مدرن و غربی است، با خیابان‌های وسیع و مغازه‌های جذاب. همه‌جا ساخت‌وساز برای پاسخگویی به جمعیت رو به رشد در جریان است.»

«اکثریت قریب به اتفاق یهودیان در فلسطین خوش‌بین، سخت‌کوش و آرمان‌گرا هستند که قصد دارند سرزمین را با عرق خود بسازند - دقیقاً برعکس کلیشه‌ای که معمولاً به یهودیان نسبت داده می‌شود.»

بخش چهارم - Die Kibbuzim und das Land (۲۹ سپتامبر ۱۹۳۴)

«در کیبوتس، هر دستی کار می‌کند: مردان، زنان و کودکان به یکسان. زمین باتلاقی خشک می‌شود، باغ‌ها کاشته می‌شوند، انبارها ساخته می‌شوند. اینجا نوع جدیدی از یهودی متولد می‌شود - ریشه در خاک، نزدیک به زمین.»

بخش پنجم - Ben Shemen und die Jugend (۳۰ سپتامبر ۱۹۳۴)

«در مستعمره جوانان بن شمن، پیشگامان جوان نه تنها در تحصیل بلکه در کار نیز آموزش می‌بینند. آنها زمین را شخم می‌زنند، از دام‌ها مراقبت می‌کنند و با انضباط راهپیمایی می‌کنند. در چشمانشان روح آینده می‌درخشد.»

بخش ششم - Die Jesreel-Ebene (۱ اکتبر ۱۹۳۴)

«در دره جزریل، بن‌گوریون را ملاقات کردم، رهبری در میان شهرک‌نشینان. اطراف ما، آنچه زمانی باتلاق و بیابان بود، به زمین کشاورزی حاصلخیز تبدیل شده است. شهرک‌نشینان اینجا به صورت جمعی زندگی می‌کنند، همه‌چیز را به اشتراک می‌گذارند، با این اعتقاد که در حال ساختن ملتی جدید هستند.»

بخش هفتم - Arabische Düfte (۲ اکتبر ۱۹۳۴)

«چند زن سالخورده روبروی من نشستند. بسیار پیرها دیگر روبنده ندارند، هرچند آرزو می‌کنی که داشتند... و این بچه‌های کثیف. اتوبوس به طرز فجیعی تکان می‌خورد. یک دختر کوچک دچار بیماری حرکت می‌شود. بوی عربی از قبل ما را احاطه کرده بود، اما حالا غیرقابل تحمل شده است. ما هم سرمان را از پنجره بیرون می‌کنیم.»

بخش هشتم - Safad und der Norden (۳ اکتبر ۱۹۳۴)

«در صفد، جو متشنج است. اعراب علیه بریتانیایی‌ها تظاهرات می‌کنند، مشت‌هایشان را تکان می‌دهند و فریاد می‌زنند. یهودیان در محله کوچک خود پشت درهای نگهبانی شده می‌مانند. اینجا به وضوح دیده می‌شود: عرب در برابر پیشرفت مقاومت می‌کند.»

بخش نهم - Hebron und die Vergangenheit (۴ اکتبر ۱۹۳۴)

«از محله یهودی سوخته‌شده الخلیل عبور کردیم. ویرانه‌ها به عنوان یادآوری روزهای خونین ۱۹۲۹ ایستاده بودند، زمانی که اوباش عرب به همسایگان‌شان حمله کردند. سنگ‌های سیاه‌شده توسط آتش، خانه‌های خالی، سکوتی که زمانی زندگی یهودی در آن شکوفا بود.»

بخش دهم - Jerusalem und die heiligen Stätten (۵ اکتبر ۱۹۳۴)

«در دیوار ندبه، یهودیان دعا‌هایشان را زمزمه می‌کردند. اعراب از کنارشان عبور کردند و مسخره کردند، فریاد زدند و تمسخر کردند، عبادتشان را مختل کردند. عصر، در گردهمایی نویسندگان یهودی در اورشلیم شرکت کردم - سالنی پر از گفت‌وگو، جایی که سنت قدیمی با نوسازی جوانان دیدار کرد.»

بخش یازدهم - Die Zukunft des Landes (۶ اکتبر ۱۹۳۴)

«فلسطین ظرفیت پذیرش هزاران نفر دیگر را دارد. پیشرفت‌های به دست آمده نشان می‌دهد که وقتی آرمان‌گرایی و کار متحد شوند، چه چیزی ممکن است. اما بریتانیایی‌ها تردید دارند، از ترس ناآرامی، و اعراب بی‌قرار می‌شوند.»

بخش دوازدهم - Eine Lösung der Judenfrage? (۹ اکتبر ۱۹۳۴)

«در فلسطین، مسئله یهود راه‌حل خود را پیدا می‌کند. اینجا یهودی مولد، خلاق و متصل به زمین می‌شود. مشکلی که اروپا را سنگین می‌کند، در خاک ارض اسرائیل شفا می‌یابد.»

از میلدنشتاین به آیشمن

تا سال ۱۹۳۵، آدولف آیشمن به بخش میلدنشتاین پیوست. او کتاب هرتزل **Der Judenstaat** را مطالعه کرد، عبری و ییدیش آموخت و خود را «صهیونیست» توصیف کرد - نه از روی اعتقاد، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای ترویج مهاجرت به عنوان راه‌حل «مسئله یهود».

اویان، شکست مهاجرت و رادیکال سازی

در ژوئیه ۱۹۳۸، کنفرانس اویان ۳۲ کشور را برای بحث درباره پناهندگان یهودی گردهم آورد. اکثر کشورها از افزایش سهمیه های مهاجرت خودداری کردند؛ تنها جمهوری دومینیکن زمینی برای ۱۰۰,۰۰۰ نفر پیشنهاد داد، اگرچه تنها چند صد نفر اسکان یافتند.

پروپاگاندای نازی خوشحال شد: «یهودیان برای فروش - هیچ کس آنها را نمی خواهد.» نمایندگان صهیونیست صرفاً بر فلسطین تمرکز کردند و مقاصد دیگر را رد کردند. شکست مهاجرت به تغییر نازی ها از اخراج به نابودی کمک کرد.

تماس آیشمن-هاگانا

در سال ۱۹۳۷، فیول پولکس، مأمور هاگانا، با آیشمن و هربرت هاگن ملاقات کرد. پولکس درخواست سلاح و کمک نازی ها علیه بریتانیایی ها کرد و بریتانیا را دشمن مشترک معرفی کرد. آیشمن و هاگن با هویت های جعلی به فلسطین سفر کردند، توسط بریتانیایی ها اخراج شدند و دوباره در قاهره با پولکس ملاقات کردند. هیچ توافقی حاصل نشد، اما این ماجرا عمل گرایی - و ناامیدی - هر دو طرف را نشان می دهد.

سایه های گذشته

پیش از نسل کشی، سیاست نازی شامل موارد زیر بود:

- سلب مالکیت سیستماتیک (آریایی سازی اموال یهودیان).
- از دست دادن شهروندی (قوانین نورمبرگ).
- سیستم های حقوقی دوگانه (یهودیان در مقابل آریایی ها).
- بازداشت خودسرانه (اردوگاه های اولیه).

ناظران به شباهت های ساختاری در اسرائیل/فلسطین امروز اشاره می کنند: سلب مالکیت زمین، انکار شهروندی، سیستم های حقوقی جداگانه برای شهرک نشینان و فلسطینیان، و بازداشت اداری.

نتیجه گیری: دو چهره ناسیونالیسم نژادی

صهیونیسم و نازیسم، اگرچه در نتیجه مخالف بودند، چارچوبی مشترک داشتند: هر دو پروژه های قوم ملی گرایانه بودند که جذب را رد کردند، جدایی را ستایش کردند و هویت را به صورت بیولوژیکی تعریف کردند.

مدال **Der Angriff** با صلیب شکسته و ستاره داوود بیش از یک کنجکاوی کلکسیونری است - یادآوری است که یهودستیزی اروپایی در اروپا حل نشد، بلکه به فلسطین صادر شد، جایی که فلسطینیان قربانیان «راه حل» شدند که توسط دو ایدئولوژی ناسیونالیستی نژادی طراحی شده بود.

منابع

- **Der Angriff** (برلین)، شماره های ۲۲۶-۲۳۷ (۲۶ سپتامبر-۹ اکتبر ۱۹۳۴).

- یادداشت فدراسیون صهیونیست آلمان به آدولف هیتلر، ۲۱ ژوئن ۱۹۳۳.
- توافق‌ها آوارا، ۲۵ اوت ۱۹۳۳.
- سوابق کنفرانس اوپان، ژوئیه ۱۹۳۸.
- شهادت آیشمن (محاکمه اورشلیم، ۱۹۶۱).
- بوآس، جاکوب. یک نازی به فلسطین سفر می‌کند و در **Der Angriff** درباره آن می‌گوید. History Today، ۱۹۸۰.
- برنر، لنی. صهیونیسم در عصر دیکتاتورها. لندن: کروم هلم، ۱۹۸۳.
- بلک، ادوین. توافق انتقال: داستان دراماتیک پیمان بین رایش سوم و فلسطین یهودی. نیویورک: مک‌میلان، ۱۹۸۴.
- نیکوزیا، فرانسیس. رایش سوم و مسئله فلسطین. آستین: انتشارات دانشگاه تگزاس، ۱۹۸۵.
- سگف، تام. هفتمین میلیون: اسرائیلی‌ها و هولوکاست. نیویورک: هیل اند وانگ، ۱۹۹۱.
- سزارانی، دیوید. آیشمن: زندگی و جنایات او. لندن: هینمن، ۲۰۰۴.
- لاکور، والتر. تاریخ صهیونیسم. لندن: توریس، ۲۰۰۳ [اصل ۱۹۷۲].
- لونگریش، پیتر. هولوکاست: آزار و قتل یهودیان توسط نازی‌ها. آکسفورد: OUP، ۲۰۱۰.